یادداشت تحلیلی دکتر ولایتی درباره بیانیه مشترک کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و روسیه

این موضع روس‌ها از سر سادگی است

علی‌اکبر ولایتی در مقاله مهمی بر ضرورت هوشیاری همه طرف‌ها در منطقه راجع به آینده قفقاز و توطئه ناتو تاکید کرد. او همچنین به بیانیه مشترک اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه واکنش نشان داد.

مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی در یک یادداشت سیاسی با عنوان «لزوم هوشیاری درباره دخالت و تجاوز احتمالی ناتو در آینده قفقاز» به تحلیل آخرین وضعیت شرایط منطقه و نظام بین‌الملل پرداخته و مطالبی پیرامون برخی تحرکات اخیر ناتو، ترکیه و جمهوری آذربایجان در شمال ایران و جنوب روسیه بیان کرده است. مشروح یادداشت دکتر ولایتی را در ادامه می‌خوانید.

دوره ۴۳ ساله‌ای که از سال ۱۸۷۱ تا سال ۱۹۱۴ میلادی ادامه داشت، برعکس باطن مخوفش، به نام دوره «صلح مسلح» معروف شده بود، دورانی که مقدمه‌ای برای شدیدترین و فراگیرترین جنگ بشری تا آن زمان شد و بیش از ۱۶ میلیون کشته و میلیون‌ها نفر مجروح و آواره بر جای گذاشت.

در مدت ۴۳ سال دوران صلح مسلح، کشورهای فرانسه، بریتانیا، روسیه تزاری، آلمان، اتریش، هنگری (مجارستان) و ایتالیا متوجه اختراع و تولید انواع سلاح‌های مختلف از قبیل مسلسل، تانک و هواپیما شدند. (مقدس، ۱۳۷۵، ص ۲۳)

جنگ اول با معاهده ورسای به پایان رسید. (درباره این معاهده نگاه کنید به: مالی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۸-۱۲۷؛ پالمر، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴۱-۱۲۳۶؛ هیوز، ۱۳۸۹، صص ۱۰۷-۱۰۵؛ تنبروک، ۱۳۸۵، صص ۲۱۱-۲۰۸؛ کارتر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴؛ گیری، ۱۳۷۹، صص ۳۵-۳۴؛ شایرر، ۱۳۶۷؛ صص ۱۰۴-۱۰۳) ولی این صلح‌نامه بعد از ۲۱ سال، زمینه‌ای برای از سر گیری مجدد یک جنگ جهانی به‌مراتب مخوف‌تر به‌وجود آورد. طی ۶ سال بیش از ۷۰ میلیون نفر کشته شدند و پایان نفرت‌انگیز آن را آمریکایی‌ها با انفجار دو بمب هسته‌ای در هیروشیما و ناکازاکی ژاپن، با حدود ۲۲۰ هزار نفر کشته، به‌عنوان پلیدترین اقدام جنگی بشری به نام خود ثبت کردند. (شایرر، ۱۳۶۷، صص ۱۰۸-۱۰۷؛ دولاندلن، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸، ۳۸۶؛ توکل، ۱۳۶۳، ص ۴۱-۳۶؛ پالمر، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵۶-۱۴۶۷؛ تنبروک، ۱۳۸۵، صص ۲۴۲-۲۱۷؛ گیری، ۱۳۷۹، ص ۳۵؛ نهرو، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۸۲۳-۱۸۲۲؛ مقدم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۱-۸۰؛ ابوحمزه، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷)

فاتحان جنگ دوم در «پوتسدام» معاهده جدیدی را به نفع خود و زیان شکست‌خورده‌ها امضا کردند و متعاقبا سه کشوری که نقش جدی‌تری در این مجموعه حوادث جنگی داشتند، احساس پیروزی می‌کردند، در یالتا جمع شدند و پیمانی به این نام امضا شد. این دو پیمان جهت جلوگیری از جنگ مجدد جهانی منعقد شد، ولی از همان سال‌های نخست پس از امضای پوتسدام و یالتا، روابط بین‌الملل وارد مرحله دیگری شد و پدیده جدیدی به نام «جنگ سرد» به وجود آمد.

در بطن این جنگ سرد دو پیمان نظامی ناتو و ورشو جوانه زدند. انعقاد این دو پیمان نظامی حکایت از نگرانی دو جناح جدید شرق و غرب داشت که براساس تضاد و تعارض دو مکتب فکری و سیاسی لیبرالیسم و کمونیسم تشکیل شده بود. (در این باره نگاه کنید به: محمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۶) این مار سر برآورده بین دو جناح جدید الولاده از دیوار برلین شروع شد و تا خط فاصل میان کره شمالی و کره جنوبی ادامه داشت. غربی‌ها خود را دنیای آزاد و شرقی‌ها براساس نامگذاری سر وینسون چرچیل «دنیای پشت‌پرده آهنین» لقب گرفتند.

در این میان دنیای سومی از کشورهای آزادشده از استعمار غربی‌ها و استبداد عوامل استعمار نو پا گرفت که از سوی غربی‌ها با نام «جهان سوم» لقب داده شد. در سال ۱۹۵۵ در جزیره زیبای مدور باندونگ اندونزی یک ساختار جدید انقلابی تشکیل شد که نه شرقی بود و نه غربی و آن تولد «نهضت عدم‌تعهد» بود.

شخصیت‌هایی سربرآورده از بطن توده‌های رنج کشیده و استعمارزده در این نهضت شرکت کردند و سردمداران سنتی قدرت‌های استعماری را به لرزه درآوردند: جمال عبد الناصر (۱۹۷۰-۱۹۱۸م) فرزند خلف مبارزان رنج کشیده از ستم صهیونیسم و حامیان پرده‌نشین بالفور، و مارشال تیتو (۱۹۸۰-۱۸۹۲م) سر سلسله مبارزان آدریاتیک ایستاده دربرابر تهاجمات نازی‌ها، جواهر لعل نهرو (۱۹۶۴-۱۸۸۹م) خلف صالح مهاتما گاندی (۱۹۴۸-۱۸۶۹م)، سلیمان باندرانایکه قهرمان آزاده سریلانکا (۱۹۵۹-۱۸۹۹م)، اسقف اعظم ماکاریوس (۱۹۷۷-۱۹۱۳م) سر ارتدوکس ایستاده دربرابر ستم انگلیس، احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی (۱۹۷۰-۱۹۰۱م)، قوام نکرومه رهبر غنا (۱۹۷۲-۱۹۰۹م)، سکوتوره رهبر گینه کوناکری (۱۹۸۴-۱۹۲۲م)، ساموراماچل رهبر موزامبیک (۱۹۳۳-۱۹۸۶م)، جوناس ساویمبی رهبر آنگولا (۲۰۰۲-۱۹۳۴)، جولیوس نیره رهبر تانزانیا (۱۹۹۹-۱۹۲۲م)، دام مینتوف نخست وزیر مالت (۲۰۱۲-۱۹۱۶م)، چوئن لای نخست‌وزیر چین (۱۹۷۶-۱۸۹۸م).

نتایج جنگ سرد بین شرق و غرب، تاثیرات نهضت عدم‌تعهد و قوت گرفتن مبارزات ضد استعماری موجب شد که پدیده جدیدی در دنیا به وجود بیاید و آن ادامه جنگ‌های محلی میان کشورها و قبایل مختلف‌الجهت بود؛ بدون اینکه این جنگ‌های محلی تبدیل به جنگ جهانی شود و نماد چنین مکانیسمی تاسیس یک خط تلفن قرمز میان کرملین و کاخ سفید شد که نگذارند در عصر اتم، جنگ فراگیری آغاز شود که در آن صورت «نه از تاک نشان می‌ماند و نه از تاک‌نشان».

مدتی میان دهه ۵۰ تا دهه ۷۰ قرن گذشته، روس‌ها و به‌تبع آنها در حوزه سیاست بین‌الملل از غربی‌ها جلو افتادند و هر کجا در صحنه بین‌المللی موضوعی مورد بحث و رای گیری قرار می‌گرفت با توجه به نفوذ روس‌ها در جهان سوم، روس‌ها یا به تعبیر جامع‌تر، «شرق سیاسی» به‌لحاظ تعداد آرای از آمریکا و متحدانش پیش می‌افتادند. کار به‌جایی رسید که دکتر «مختار امبو» نماینده چپ سنگال، توانست مدیرکل یونسکو به‌عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی علمی-فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد شود.

این حادثه بدین معنا بود که از دهه ۵۰ به بعد فضای فکری-فرهنگی جهان به مدت سه‌قرن در اختیار چپ‌ها قرار گرفت و آمریکایی‌ها چنان منفعل شدند که تصمیم گرفتند از یونسکو خارج شوند که این رویداد در زمره آخرین نشانه‌های شکست یعنی شکست فرهنگ آمریکایی در مقابل فرهنگ غالب چپ در طول آن سه‌دهه بود. در جریان جنگ ویتنام، خواستند که با تولید فیلم در هالیوود افکار عمومی را در جهان به‌سمت مثلا حقانیت آمریکا سوق دهند. فیلم «کلاه سبزها» با بازیگری یکی از هنرپیشه‌های دنیای وسترن یعنی «جان وین» ساخته شد و این فیلم در بخش اعظم دنیای آن روز مورد طعن، لعن و تمسخر قرار گرفت.

کار به جایی رسیده بود که در سنای آمریکا طرحی مطرح شد که آمریکا از برخی نهادهای سازمان ملل مانند یونسکو خارج شود؛ ولی کم‌کم فرهنگ چپ غالب بر دنیای آن دوران از درون دچار انحطاط شد. براساس آن اصلی که می‌گوید هرگاه قدرتی به‌وجود می‌آید، اگر از عوامل به وجودآورنده قدرت دور شود از درون دچار پوسیدگی می‌شود، نشانه آشکار این عارضه منفی از جایی شروع شد که کعبه چپ‌های عالم دچار انحطاط شد. به‌این‌ترتیب که حکومتی که روزی به نمایندگی از طرف پرولتاریا تشکیل شده بود و متکی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م بود، حالا در کنار مجسمه لنین، کارشان به‌جایی رسیده بود که برای عبور بدون مزاحمت لیموزین‌های حکومت مدعی نمایندگی پرولتاریا جاده مخصوص احداث می‌کردند. این پایان تاریخ حاکمیت طبقه کارگر دانسته شد.

بالاخره با عللی که شرح آن از حوصله مقاله خارج است، حکومت شوروی در تقابل با غرب به باخت خویش اقرار کرد و حکومت شوروی از هم پاشید. علمداران پرچم سرخ، آن را بر زمین گذاشتند و عقب‌نشینی‌های مسکو از مواضع قبلی خویش آغاز شد و بالاخره با فروریختن دیوار برلین، صدای شکست تفکر شرقی را بر فراز این دیوار به صدا درآورد.

وادادگی نمایندگان سابق پرولتاریایی موجب شد که آن‌ها قدم‌به‌قدم عقب بنشینند و نئورئالیست‌ها حول محور آنگلوساکسون‌ها به‌تدریج پیش بروند.

مجددا یک دوره دیگر در منازعه سیاسی شرق و غرب آغاز شد. بوش پدر در ابتدای دهه ۹۰ میلادی در مراسم صبحگاهی گروهی از نیروهای دریایی امریکا اعلام کرد که از این پس جهان تک‌قطبی است، یک ابرقدرت وجود دارد و آن هم آمریکاست که ضامن امنیت جهان است. با این توهم که آمریکایی‌ها می‌توانند نظریه مک لوهان را عملیاتی کنند که معتقد بود دنیا همانند یک دهکده جهانی است (زمینه‌سازی برای این که این دهکده یک کدخدا دارد و آن کدخدا آمریکاست). مکمل این نظریه، نظری فوکویاماست که بر مبنای آن، پایان دنیا را لیبرال دموکراسی دانست و آمریکا را به‌عنوان نماد لیبرال دموکراسی، مصداق حکومت نهایی جهانی و به‌عنوان کدخدای دهکده برشمرد که بر دهکده جهانی حکومت می‌کند.

در سال ۲۰۰۱م، برج‌های دوقلو به‌صورت مشکوکی موردتهاجم دو هواپیما قرار گرفتند و این حمله انتحاری با هواپیماهای مزبور بهانه‌ای شد، برای حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱م و عراق در سال ۲۰۰۳م و درست در همین دوره یکه‌تازی آمریکایی‌ها به اوج رسید. اما سرانجام در هر دو جبهه شکست خوردند و عقب‌نشینی کردند. طرح جنبی آمریکایی‌ها در منطقه به تعبیر آنها خاورمیانه، به هم ریختن معادلات و موازنه‌های موجود در غرب آسیا و شمال آفریقا توسط عوامل مختلف بوده و هست. با پشتیبانی آنها، داعش به عنوان گروه افراطی علیه حکومت عراق شکل گرفت. ائتلافی پایه‌گذاری کردند که سال‌ها علیه حوثی‌ها بجنگد. اتحادیه‌ای ساماندهی کردند و با هدف براندازی به سوریه حمله کردند.

درمقابل، در تمام این سال‌ها ایران هم در کنار ملت‌های منطقه وارد صحنه شد و رودرروی مخالفان حکومت سوریه ایستاد. درمقابل داعش در عراق و دشمنان حوثی‌ها در یمن ایستاد. بعد از چند سال مجاهدت و مبارزه همه‌جانبه و نفس‌گیر ایران و ملت‌های منطقه، پیروزی‌های متعددی به دست آمد. شکست قطعی داعش توسط نیروهای قدس و حشدالشعبی به فرماندهی سرداران رشید ایران و عراق، شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس رقم خورد و مانع از جلوس ابوبکر البغدادی به عنوان خلیفه قلابی بغداد شد. در یمن هم با کمک و حمایت ایران، حوثی‌ها بر بخش اعظم این کشور غلبه کردند.

اما سخت‌ترین کار در سوریه انجام شد که با همراهی روسیه توانستند جلوی توسعه‌طلبی ترکیه را بگیرند. حکومت ترکیه در این مدت چند سالی که گذشت، به دلیل شکست‌های مختلف، به‌صورت مداوم تاکتیک‌ها و روش‌های خود را تغییر داد. در اوایل آغاز تهاجم علیه سوریه، به اخوان‌المسلمین و قطر نزدیک شد و با کمک آنها به دنبال ساقط کردن حکومت سوریه بود که محقق نشد.

مسئولان حکومت ترکیه در اجلاس داووس نطقی علیه رژیم صهیونیستی انجام دادند و این رژیم را «کودک کش» نامیدند اما چون در هیچ یک از اهداف تعیین‌شده خود موفق نبودند، این بار روش خود را عوض کردند و برای سفر رئیس رژیم صهیونیستی فرش قرمز پهن کردند. در سیاست داخلی هم رویه‌ها را تغییر دادند تا بتوانند در عرصه قدرت باقی بمانند و در انتخابات اخیر پیروز شوند که نمونه آن نزدیک شدن حزب عدالت و توسعه به حزب حرکت ملی به رهبری «دولت باغچه‌لی»، رهبر پان‌ترکیسم بود.

از سوی دیگر در اسفند ۱۴۰۱، روس‌ها به اوکراین حمله کردند، با این استدلال که رهبران ناتو و غربی‌ها برخلاف وعده‌های محکمی که به پوتین داده بودند، هر روز در جهت توسعه ناتو به سمت شرق اروپا تلاش می‌کردند و تا حدود زیادی هم موفق بودند؛ تا این که اقدامات مقدماتی در رابطه با عضویت اوکراین در ناتو انجام گرفت و این موجب نگرانی جدی روس‌ها شد. بابت چنین اتفاقی به آمریکایی‌ها و غرب اخطار شدید کردند که اگر این کار را انجام دهند، اوکراین مورد تهاجم روسیه قرار خواهد گرفت.

در همان زمان، پیش‌بینی اینجانب این بود که قطعا روس‌ها در حمله به اوکراین جدی هستند و در جایی نوشتم اگر غربی‌ها بخواهند عاقلانه عمل کنند، حق این است که به روس‌ها پیام دهند که ما موضوع الحاق اوکراین به ناتو را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. اما متاسفانه اروپایی‌ها تحت‌تاثیر فریبکاری و وسوسه‌های آمریکایی‌ها موضوع عدم الحاق اوکراین به ناتو را جدی نگرفتند و گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی، بخش‌های روس‌نشین اوکراین همچون لوهانسک و دونتسک را تسخیر کردند و قبل از آن برای بازپس‌گیری کریمه اقدام کرده بودند.

اما اصل ماجرا این است که آمریکایی‌های مزدور به هزینه اروپایی‌ها در مقابل روس‌ها ایستادند و امروزه وضعیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی اروپایی‌ها به نسبت بدتر از هر منطقه دیگری در جهان پیشرفته می‌باشد. بالاخره صدای افراد محافظه‌کاری همچون مکرون علیه آمریکا بلند شده و قطعا بقیه کشورهای اروپایی هم تا مدت بیشتری به آمریکا سواری نخواهند داد و پیش‌بینی این است که روسیه ولو با دادن خسارت‌های بیشتر در جنگ اوکراین دست بالا را خواهد داشت.

حالا و در میانه جنگ اوکراین، شاهد سبک دیگری از تغییر سیاست‌های ترکیه که خود را نزدیک به روسیه معرفی می‌کرد، هستیم. طی روزهای اخیر در خبرها آمده است که ترکیه با عضویت سوئد در ناتو موافقت کرده و برخی از فرماندهان آزوف را به اوکراین تحویل داده است. به موازات این تغییر مواضع، در ماه‌های اخیر موضوع اتصال ترکیه و جمهوری آذربایجان با تاسیس کریدور زنگزور مطرح شده که ایران با آن مخالف است. مخالفان این طرح می‌گویند اگر قرار است تسهیلاتی برای روابط در بخش ارتباط جمهوری آذربایجان و نخجوان باشد نیازی به اشغال یک پهنه عریض از خاک ارمنستان توسط همسایگان نیست. کلیه این تسهیلات از قبیل لوله انتقال گاز، جریان برق، مسیر ترانزیتی و هر نوع دیگری به آسانی میسر است، بدون اینکه به حاکمیت ارضی ارمنستان خدشه‌ای وارد شود و این موضوعی است که میان کشورها مرسوم است.

بسیاری از ناظران تعجب می‌کردند که چرا دو دولت جمهوری آذربایجان و ترکیه بر این امر که ممکن است موجب افزایش تنش بین طرف‌های ذی‌ربط شود، این اندازه اصرار می‌ورزند. کم‌کم حقایق آشکار شد و استنباط کارشناسان این است که غرض از این اتصالات وسیع که نخجوان را به جمهوری آذربایجان وصل می‌کند این است که اولا ارمنستان را به دو بخش تقسیم می‌کند، ثانیا ارتباط ایران را با ارمنستان قطع می‌کند که رابطه دو کشور سابقه‌ای به قدمت هخامنشیان و اشکانیان دارد و ثالثا ارتباط ایران با خارج از ایران را محدود می‌کند و ما از این پس به جای اینکه با ۱۵ کشور همسایه باشیم با ۱۴ کشور همسایه خواهیم بود و ارتباط آزاد جمهوری اسلامی ایران با قفقاز شمالی، روسیه و قاره اروپا دچار مشکل خواهد شد. هر نوع تغییر مرزی در منطقه موجب تنش‌های طولانی خواهد شد و از همه نگران‌کننده‌تر حضور کشورهای بیگانه در مرزها خواهد بود.

ایران، چین و روسیه یک مثلث قدرتمند پایدار در آسیا تشکیل دادند و بدون تردید برخلاف آرزوهای شکست خورده آمریکا امروز در نقشه جدید جهان، آمریکایی‌ها و سایر غربی‌ها نمی‌توانند ایران را به‌عنوان قدرت اول منطقه آسیای غربی که در تحولات بین‌المللی تاثیرگذار است، نادیده بگیرند. امروز روابط بین روسیه و آمریکا هم به‌صورت استراتژیک تغییر کرده است و حداقل به خلاف سخنان بوش پدر در مراسم نیروی دریایی، دنیا در آینده چندقطبی خواهد شد.

ظن قوی این است که موضوع یکسره شدن ارتباط بین استانبول تا سین کیانگ بیش از اینکه نشانی از تشکیل یک دنیای خیالی به نام پان ترکیسم باشد، با توجه به دامنه ارتباطات ترکیه با ناتو، منجر به تشکیل نواری خواهد شد که ایران را از طرف شمال و روسیه را از طرف جنوب محاصره خواهد کرد و نفوذ ناتو را در منطقه گسترش خواهد داد. باز کردن راه به نخجوان به‌جای اینکه تجارت و همکاری را توسعه دهد، ممکن است موجب شود که ناتو و بعضی از اعضایش که در این کشمکش نقش دارند، راه را برای حضور جدی‌تر و فعال‌تر همه امکانات و دسترسی‌هایشان در شمال ایران و جنوب روسیه هموار کنند.

متاسفانه مشکلات جدی و پیچیدگی‌های درگیری اوکراین موجب شد که تا حدی از منطقه قفقاز غفلت شود و فرمول سه به‌علاوه سه که مورد قبول اولیه شش کشور روسیه، ایران، ترکیه، گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان بود زیر پا نهاده شده و اکنون قفقاز جنوبی محل مداخله، حضور غیرقانونی و مفسده‌برانگیز اتحادیه اروپا، فرانسه، آمریکا و رژیم صهیونیستی شود و در صورت ادامه این روند، عملا این منطقه بسیار حساس تبدیل به عاملی برای تهدید امنیت کل منطقه خواهد شد. دوستان روسی ما مراقبت کنند و بدانند که با کوچک‌ترین غفلتی قفقاز، محل هجوم و رقابت کشورهای مختلف و طرف‌های مغرض خواهد شد که منافع روسیه و جمهوری اسلامی ایران را مورد تجاوز قرار خواهند داد. اگر غفلت کنند آمریکایی‌ها و عوامل‌شان که در اوکراین نتوانستند کار جدی از پیش ببرند در این منطقه بسیار حساس، یعنی قفقاز جنوبی عوامل تنش‌زا را شدت داده و امنیت کل منطقه را متزلزل خواهند کرد.

بدون‌تردید غربی‌ها که امروز دچار مشکل تامین انرژی هستند، از امکانات و منابع موجود در این منطقه و اطرافش نخواهند گذشت، چشم طمع به آن دارند و از هیچ اقدام و وسوسه‌ای برای دست‌اندازی به آن فروگذار نخواهند کرد. خوشبختانه رهبران هوشیار روسیه اطلاع دارند آنها که خرید نفت و گاز از روسیه را تحریم کردند، به‌دنبال دسترسی به منابع انرژی خزر و قفقاز هستند و همه ما باید نگهبان آن باشیم. مضافا اینکه نفوذ و حضور متراکم و متعدد دشمنان ایران و روسیه، همچون آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی در این منطقه حساس، منافع آینده دیگر ملت‌های منطقه را هم به خطر خواهد انداخت.

هرگونه غفلت و ساده‌بینی درباره مشکلات و پیچیدگی‌های پیش‌آمده در این منطقه، موجب خواهد شد که آنها نه‌تنها به قفقاز جنوبی بسنده نکرده بلکه به قفقاز شمالی و از همه مهم‌تر دریای خزر و کشورهای اطراف آن نیز نفوذ کنند که این باید خط قرمز ایران و روسیه باشد. دریای خزر فقط متعلق به کشورهای اطراف آن است و به‌هیچ‌وجه به کسی اجازه داده نخواهد شد که جای پایی در این دریای بسیار مهم پیدا کند.

نکته مهم و تاسف‌بار که در روزهای اخیر اتفاق افتاده، صدور بیانیه مشترک بین روسیه و کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس است که در این باره به دوستان روس خود می‌گوییم که سادگی نکنند. موضوع جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک براساس قواعد بین‌المللی کاملا روشن است. چند دلیل تاریخی این مساله را روشن می‌کند:

الف- در زمان صدارت میرزا علی اصغرخان اتابک در عهد ناصرالدین‌شاه به درخواست دولت ایران، وزارت دفاع انگلیس، نقشه منطقه را در پاسخ رسمی به درخواست دولت ایران به کشورمان ارسال کرد که در آن نقشه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک جزء ایران ترسیم شده است. که این دلیل محکمی بر حاکمیت ایران بر این جزایر است.

ب- میرزا علی اصغرخان اتابک پس از اینکه انگلستان پرچم خود را در ابوموسی بالا برد، دستور داد تا پرچم انگلیس را پایین آوردند و پرچم ایران را مجددا نصب کردند.

ج- در سال ۱۹۷۱م که پهلوی دوم از حق ایران در بحرین گذشت و خیانت بزرگی را مرتکب شد، با وساطت انگلیسی‌ها در عوض جریان مذکور جزایر سه‌گانه به ایران بازگردانده شد. در این میان دیوید اوئن، وزیر خارجه انگلیس نقش اساسی داشت.

د- بعد از انقلاب اسلامی ایران و به‌خصوص بعد از جنگ تحمیلی، امارات از هر فرصتی برای طرح این موضع ناحق استفاده می‌کند. اکنون برخی از دوستان ما همچون روسیه به همان چاله‌ای افتاده‌اند که چندی پیش چین به درون آن افتاد. یعنی گمان می‌کنند که با تایید چنین ادعای نامربوطی روابط اقتصادی خوبی در آینده با امارات خواهند داشت. به‌نظر می‌رسد این اقدام روسیه نیز از نوع بعضی از سادگی‌هایی است که بعضا از روس‌ها دیده شده است. علی‌الخصوص در نقاطی از منطقه که آشنایی و شناخت عمیقی بین روسیه و آن کشورها وجود ندارد.

برخی از کشورهای منطقه که عضو ناتو هستند و وصف تغییر مواضع آنها نگاشته شد، به تصور استحکام روابط‌شان با ناتو، عصاکش ناتو و در رأس آن آمریکا شدند و ممکن است در آینده میان روسیه، ایران و چین به‌عنوان متحدان سه‌گانه‌ای که امروزه بزرگ‌ترین مجموعه قدرت آسیا هستند، موانع و تزاحماتی ایجاد کنند که البته این موضوع با هوشیاری راهبردی رهبران این کشورها مواجه خواهد شد.

نوبت اول

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
همسار ۱۰۰ امام

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

پروژه‌های ۴۰ واحدی و ۸۰ واحدی نهضت ملی مسکن شهرستان‌های اردبیل و خلخال

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل در نظر دارد اجرای نازک کاری پروژه ۴۰ واحدی نهضت ملی مسکن شهرستان اردبیل (گچ کاری، سنگ کاری، کاشی کاری، سیمان کاری و کارهای عمومی پروژه به‌صورت با مصالح) و اجرای نمای سنگی و سیمان شسته پروژه ۸۰ واحدی نهضت ملی مسکن شهرستان خلخال (به‌صورت با مصالح) را به شرح جدول ذیل و براساس مشخصات فنی منضم به اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به مناقصه‌گران واجد شرایط واگذار نماید.

نام پروژه	شهرستان	برآورد اولیه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	نوع تضمین شرکت در مناقصه	مدت اجرای پروژه	محل اعتبار پروژه
نازک کاری ۴۰ واحدی نهضت ملی مسکن	اردبیل	۶۰,۰۰۰,۶۰۰,۰۰۰ ریال	۳,۰۰۰,۰۳۰,۰۰۰ ریال	ضمانتنامه بانکی /واریز وجه نقد/فرم مطالبات	۱۸۰ روز	اعتبارات داخلی بنیاد مسکن
نمای سنگی و شسته ۸۰ واحدی نهضت ملی مسکن	خلخال	۳۷,۹۱۴,۴۰۰,۰۰۰ ریال	۱,۸۹۵,۷۲۰,۰۰۰ ریال	ضمانتنامه بانکی /واریز وجه نقد/فرم مطالبات	۱۸۰ روز	اعتبارات داخلی بنیاد مسکن

نوع فراخوان: فراخوان عمومی یک‌مرحله‌ای نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گذار: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل موضوع مناقصه: اجرای نازک کاری پروژه ۴۰ واحدی نهضت ملی مسکن شهرستان اردبیل (گچ کاری، سنگ کاری، کاشی کاری، سیمان کاری و کارهای عمومی پروژه به‌صورت با مصالح) و اجرای نمای سنگی و سیمان شسته پروژه ۸۰ واحدی نهضت ملی مسکن شهرستان خلخال (به‌صورت با مصالح) (طبق جدول فوق) براساس نقشه‌ها و مشخصات فنی اجرایی منضم به اسناد مناقصه. زمان فروش اسناد مناقصه: از ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۲ الی ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۶ مهلت تحویل پیشنهادات از سوی مناقصه‌گران: از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸ (حداقل ۱۰ روز) طبق بند (ب) ماده ۱۵ قانون برگزاری مناقصات محل دریافت اسناد مناقصه: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی. ۲-۷) واریز وجه نقد به حساب ۱۳۰۹۶۲۹۸۱۳ نزد بانک تجارت شعبه آزادی اردبیل (کد ۱۳۰۹۰) بنام بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل ۳-۷) فرم مطالبات تاییدشده از امور مالی بنیاد مسکن مدت اعتبار پیشنهادها: از آخرین روز مهلت تحویل پیشنهادات به مدت سه ماه (قابل تمدید برای یک دوره سه ماه دیگر) معتبر باشد. تاریخ بازگشایی پاکت (الف، ب و ج): ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ اعتبار پروژه: از محل اعتبارات داخلی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل می‌باشد. شرایط مناقصه‌گران: کلیه شرکت‌های تشخیص صلاحیت‌شده دارای رتبه ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و پیمانکاران حقیقی، که ارائه یک نسخه از گواهی رتبه‌بندی و آخرین آگهی تغییرات اساسنامه در روزنامه رسمی‌شده در زمان خرید اسناد الزامی می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل و سایت ذیل مراجعه نمایید.

http://setadiran.ir

شناسه آگهی ۱۵۲۸۷۱۵